

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۸

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال هشتم، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۹۸

## کارآمدسنجی بصیرت در مواجهه با مهم‌ترین چالش اسلام با تأکید بر عصر غیبت

محمدهادی منصوری<sup>۱</sup>

### چکیده

در روایات مهدویت، آخرالزمان برهه‌ای است که با چالش‌های گوناگون مواجه می‌شود که محوری‌ترین آنها، در عرصه معرفت رهبران الهی و پیروی از ایشان است. چرایی هشدارهای معصومان علیهم‌السلام درباره چالش سیاسی - اجتماعی آخرالزمان را می‌توان در پیامدهای سوء بی‌بصیرتی برای جامعه مهدوی جست‌وجو نمود. چالشی که پیروان را در گرداب آمیختگی حق و باطل قرار می‌دهد و تشخیص سره از ناسره را بس دشوار می‌نماید و سرانجامش خروج از ولایت الله و ورود به ولایت فرعونیان است. تنها راه مواجهه با چالش پیش‌گفته، ثابت قدم ماندن به ولایت الله است که این مهم جز با پیدایی و مانایی بصیرت، شدنی نیست. بر این اساس امامان علیهم‌السلام، «بصیرت» را سنجه مهدی‌یآوری در آخرالزمان معرفی کرده‌اند. نگارنده مسئله را با روش توصیفی تحلیلی از منظر قرآن و روایات برمی‌رسد. چالش پیش‌گفته با زیر سؤال بردن رهبر الهی به منظور ترویج روحیه کارشکنی، هدف قرار دادن خواص جامعه و سوءاستفاده از مقدسات، مخالفت عملی با دستور رهبر الهی، تحاکم به طاغوت و توجیه آن، بروز و نمود پیدا می‌کند. در مواجهه با چنین چالشی، بصیرت مهدی‌یاوران، در شناخت جریان‌ها و ترفندهای سیاسی دشمن، جلوگیری از پایمال شدن حق

۱. استادیار گروه معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی قم (mmh.f110@yahoo.com).

حاکمیت ولی‌الله، پرهیز از دوستی با دشمنان، اعتماد به انتخاب جانشین توسط امام و... کارآمد است. از دیگر سو، نبود بصیرت سیاسی، جامعه اسلامی را با چالش تهی‌گشتن از هویت اسلامی، نشناختن طراحان و کارگزاران فتنه، ولایت‌ستیزی و حضور در جبهه باطل، دوستی با دشمنان، تفرقه و گسست اجتماعی و... مواجه می‌سازد.

واژگان کلیدی

بصیرت مهدی‌یاوران، آخرالزمان، سنن ضلالت و عمی، ثبات قدم.

مقدمه

یکی از سیره‌های تربیتی معصومان علیهم‌السلام، تربیت نسل منتظر است. بر این اساس روایاتی نظیر: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ، وَ لَا يَزَالُ شَيْعَتُنَا فِي حُزْنٍ حَتَّى يَظْهَرَ وَ لَدَى الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا، كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۲۱) برای همه دوران‌ها معناپذیر است و اختصاصی به دوران غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ندارد. از مطالعات منابع اسلامی می‌توان دانست مهم‌ترین چالشی که امت اسلامی پس از تشکیل حکومت نبوی با آن مواجه بوده، چالش سیاسی - اجتماعی است. چالشی که ریشه در هواپرستی دنیاپرستان داشت و در سقیفه بروز نمود. چنان‌که امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمودند:

إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَأَحْكَامُ تُبْتَدَعُ يَخَالِفُ فِيهَا كِتَابَ اللَّهِ وَ يَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ؛

همواره آغاز پیدایش فتنه‌ها، پیروی از هوس‌های آلوده و احکام و قوانین مجعول و اختراعی است، احکامی که با کتاب خدا مخالفت دارد، و جمعی برخلاف آئین حق به حمایت از آن برمی‌خیزند. (نهج البلاغه، خ ۵۰)

جامعه اسلامی پس از رخداد سقیفه، هماره در معرض چالش پیش‌گفته در امر ولایت و رهبری بوده و این مهم با غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نمود بیشتری یافت. چنان‌که درباره دوران غیبت کبری در روایات می‌خوانیم:

يُرْجَعُ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ الْقَائِلِينَ بِهِ وَ لَا يَبْقَى إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَهْدَهُ لِيُؤَلِّتِنَا وَ كَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيْدِيَهُ بُرُوحٍ مِنْهُ. (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۸۵-۳۸۴؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۳۹)

از این رو متون قرآنی و روایی که نقش روشنگری دارند و راه را از چاه و سره را از ناسره نشان

می دهند، برای مواجهه با چنین چالشی نقشه راهبردی ترسیم کرده اند که با کاربست آن در هر دورانی به ویژه در عصر غیبت می توان مواجهه به خردانه ای با چالش سیاسی - اجتماعی داشت. در این نقشه راهبردی شاخص هایی برای پیروان راستین امامان مشخص شده است که یکی از مهم ترین آنها شاخص بصیرت است.

### ضرورت بحث

اهمیت بحث از سنجه بصیرت در مواجهه با چالش سیاسی - اجتماعی را می توان از سخنان صریح امیرمؤمنان علیه السلام در معرفی اهل کوفه فهمید. ایشان در شکواییه ای خطاب به اهل کوفه فرمودند:

ای اهل کوفه من به سه چیز که (در شما هست) و دو چیز که (در شما نیست) مبتلی شده ام: گوش دارید اما کرید، سخن می گوئید اما گنجد، چشم دارید اما کورید، نه هنگام نبرد آزاد مردان صادقید، و نه به هنگام آزمایش برادران قابل اعتماد. دستتان خاك آلوده بادای مردم شما به شتران بی ساربان می مانید که هر گاه از يك سو جمع شان کنند از طرف دیگر پراکنده می گردند. به خدا سوگند شما را چنین می بینم که اگر جنگ سخت درگیر شود و آتش آن زبانه کشد از گرد فرزند ابوطالب جدا می شوید همانند جدا شدن زن (هنگام زائیدن) از بچه خویش. من نشانه و دلیل روشن (بر حقانیت خود) از پروردگارم دارم و بر طریق آشکار پیامبر صلی الله علیه و آله راه می روم، من در راهی روشن قرار دارم و با آگاهی در آن گام بر می دارم. (نهج البلاغه، خ ۹۷)

امام علی علیه السلام در این بیان بر نایبایی و ناشنوایی قلوب پیروان بی بصیرت خویش اشاره فرموده اند و از عدم تشخیص حق از باطل آنها شکوه می نماید. از بی بصیرتی آنهاست که در جهاد، آزاد مردانی صادق نبوده و هنگام آزمون برادرانی قابل اعتماد نیستند. بر اساس فرمایش امام می توان فهمید وجود بصیرت در عرصه سیاسی است که صدق و وفا به همراه می آورد. آری بصیرت در بزنگاه کار و زمانی که آتش فتنه و جنگ زبانه می کشد، خود را نشان می دهد. بی بصیرتان از دور رهبر خویش چونان طفلی که از رحم مادر جدا می شود، فاصله می گیرند و بینایان جز وفا و صداقت از خود بروز نمی دهند.

بر همین اساس است که بصیرت پیروان در هر عصری به ویژه در دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان سنجه ای مهم در روایات منعکس شده است. از این رو درباره مهدی یاوران می خوانیم:

... مردانی که دل‌هاشان مانند پاره‌های آهن است. در دل این مردان شک در ذات الهی راه نیافته و نیرومندتر از سنگ است. اگر به کوه‌ها حمله‌ور شوند، آنها را متلاشی می‌سازند... چونان چراغ روشن و روشنگرند. انگار در دل‌های شان چلچراغ‌هایی فروزان است... (نیلی نجفی، ۱۴۲۶: ۹۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۰۷).

مهدوی باورانِ بابصیرت، مهدی‌یاور واقعی‌اند و در نگاه امام صادق علیه السلام جایگاه رفیع مدافع حریم رسول الله صلی الله علیه و آله را با وصف «شاهر سیفه بین یدی رسول الله صلی الله علیه و آله» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۴۷) دارا هستند.

نوشتار پیش رو تلاش دارد با کارآمدسنجی بصیرت جامعه منتظر در مواجهه با این چالش، چرایی اهتمام معصومان به بصیرت‌زایی و بصیرت‌افزایی برای جامعه را بازپژوهد و نبود شاخصه بصیرت را ریشه‌تأثیرگذاری چالش سیاسی - اجتماعی در تهی‌سازی هویت دینی جامعه و... برشمارد. ناگفته نماند که بررسی چنین مسئله‌ای فوایدی برای جامعه مسلمانان در پی دارد، از جمله این‌که مؤمنان حقیقی که در ایمان‌شان صادقند و بابصیرت از امام پیروی می‌کنند از گروه بی‌بصیرت پرمدعا که ظاهری اسلامی دارند و در بهبوه‌ها و تنگناها و سختی‌ها، از ایمان‌شان شانه خالی می‌کنند، جدا می‌شوند. فایده دیگر بالا رفتن سطح آگاهی مردمان نسبت به انحراف‌های سیاسی - اجتماعی و آمادگی بیشتر برای مواجهه با وقایعی شبیه به آن است. (مدرسی، ۱۴۱۹: ج ۷، ۲۱۱)

### پیشینه

علاوه بر منابع تفسیری ذیل آیات مرتبط، منابع عامی نظیر دانش‌نامه قرآن و حدیث و نیز کتاب *البصيرة والعمی فی کلام الباری و اولى النهی*، پایان‌نامه‌ها و مقالات متعددی مانند مجموعه مقالات بیست و هفتمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم با عنوان *قرآن و بصیرت* در دو جلد (جلد ۳ و ۴) وجود دارد. اما منبعی یافت نشد که به طور خاص به بحث «کارآمدسنجی بصیرت جامعه منتظر...» بپردازد. گرچه برخی مقالات با محوریت بحث بصیرت و مهدویت، برای پاره‌ای از مباحث این نوشتار مناسب‌اند، مانند: مقاله «بررسی تحلیلی روایی عنصر بصیرت در یاران امام زمان علیه السلام» منتشر شده در فصل‌نامه *انتظار موعود*، مقاله «بررسی سندی و تحلیل دلالتی روایات شاخص‌ها و کارکردهای یاران جوان مهدی موعود علیه السلام» ارائه شده در سیزدهمین همایش دکترین مهدویت و مقاله «تحلیلی درباره بصیرت یاوران امام زمان علیه السلام و فرایند

دست‌یابی به آن در آینه قرآن و کلام علوی» اثر نگارنده و منتشر شده در فصل‌نامه *انتظار موعود* اشاره نمود.

## واژه‌شناسی

ابتدا بایسته است واژگان بصیرت، بصیرت سیاسی و فتنه سیاسی معناشناسی شود.

### بصیرت

«بصیرت» واژه‌ای عربی است که در زبان فارسی نیز کاربرد داشته و در معانی مختلفی به کار می‌رود. بصیرت در زبان فارسی به معنای «بینش، زیرکی، هوشیاری، چشم‌خرد، چشم‌عقل و دیده‌دل، دانایی، بینایی و آگاهی» آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۸۵۳) ارباب لغت عرب درباره معنای بصیرت آراء متعددی دارند. برخی بصیرت را به معنای «عقیده قلبی» دانسته‌اند. (ازهری، ۱۴۲۱: ج ۱۲، ۱۲۳) عده‌ای آن را به «علم» معنا کرده‌اند. (فیومی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۵۰) بصیرت به معنای «عبرت گرفتن»، «ثبات در دین» (ازهری، ۱۴۲۱: ج ۱۲، ۱۲۴)، «دلیل و برهان»، (جوهری، ۱۳۷۶: ج ۲، ۵۹۲) «زیرکی» (صاحب، ۱۴۱۴: ج ۸، ۱۳۶) «شاهد» (ابن سیده، ۱۴۲۱: ج ۸، ۳۱۶)، «سپر»، (ازهری، ۱۴۲۱: ج ۱۲، ۱۲۴)، «زره» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۷، ۱۱۷) و «قوه فهم و درک» آدمی نیز آمده است. (راغب، ۱۴۱۲: ۱۲۷)

با توجه به اختلاف لغت‌شناسان در این‌که ریشه‌های واژگان دارای اصل واحد هستند یا می‌توانند اصول متعدد داشته باشند، دو دیدگاه درباره ریشه بصیرت مطرح شده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۵۴-۲۵۳) اما از آن‌جا که نگارنده معتقد به وجود اصل واحد در ریشه لغت است، بصیرت را بر پایه اصل واحد معنا نموده و آن را نیرویی روشنی‌بخش می‌داند که با روشنگری‌اش ادراک را برای عقل هموار می‌سازد. در معنای واژه «بصر» یک ویژگی وجود دارد و آن «آشکار بودن شیء دیده شده» است. بر این اساس بصیرت را می‌توان به «روشن‌بینی» معنا نمود. سایر معانی لغوی یا به عوامل بصیرت اشاره دارد و یا فوائد آن را بیان می‌نماید و یا مؤلفه‌ای از مؤلفه‌های بصیرت و یا بخشی از فرایندهای آن را مطرح ساخته است. بصیرت دایره معنایی گسترده‌ای دارد و با برخی از واژگان مانند فرقان، یقین، یقظه، معرفت، علم، حکمت، عقل، نور و... معنای نزدیکی دارد به طوری که برخی از اندیشمندان در مقام گره‌گشایی از معنای بصیرت، آن واژگان را به جای بصیرت به کار می‌برند و بصیرت را دقیقاً به آن معنا تفسیر

می‌کنند. در حالی که اگر با نگاهی دقیق‌تر به مسئله بنگریم متوجه خواهیم شد تفاوت‌های ظریفی بین بصیرت و آن‌واژگان وجود دارد. (ر.ک: منصوری، ۱۳۹۵: ۷-۸)

اما درباره تعریف اصطلاح بصیرت معتقدیم که باید با در نظر گرفتن مؤلفه‌ها و فرایند بصیرت، آن را تعریف نمود. بر این اساس بصیرت عبارت است از:

روشن‌بینی مبتنی بر شناخت به همراه باور قلبی که در اثر مشاهده درست رخدادها و اندیشیدن و سنجش و عبرت گرفتن و تیزهوشی و دوراندیشی حاصل می‌گردد.<sup>۱</sup>

### بصیرت سیاسی

بصیرت سیاسی یعنی آگاهی به زمان و مکان، فهم سیاست‌های رایج دنیا و دشمن‌شناسی که اگر کسی از آن برخوردار باشد، در تحلیل رویدادها و درک وقایع قریب‌الوقوع و پیش‌بینی روند امور به سلاحی مجهز است که می‌تواند بر پدیده‌های سیاسی اشراف بیشتری نسبت به سایرین پیدا کند. (خدادادی، ۱۳۸۷: ۱۰) بصیرت سیاسی را می‌توان در بالا بودن قدرت تحلیل سیاسی و جبهه‌شناسی، رعایت خطوط قرمز، ولایت‌مداری و... جست‌وجو نمود.

### فتنه سیاسی

جامعه اسلامی در گذر تاریخ همواره با فتنه‌های مختلف فرهنگی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و... مواجه بوده است. آمیختگی حق و باطل فتنه‌هایی در پی داشته که پیامدش انحراف مردم از مسیر حق بود. «دشمنان اسلام با آمیختن حق و باطل و ایجاد شک و شبهه در دل‌ها در پی آن بوده‌اند که اهداف شوم خود را با دور ساختن جوامع اسلامی از مسیر کمال و به تاراج بردن فکر و فرهنگ اصیل اسلامی عملی کنند.» (برهان، ۱۳۹۰: ۶۸) لذا فتنه‌های فرهنگی مقدمه‌ای است برای فتنه‌های سیاسی - اجتماعی.

فتنه سیاسی در راستای ایجاد نابه‌هنجار سیاسی و با اهداف مختلف که ریشه در حب دنیا دارد، رخ می‌نماید. براساس روایتی از حضرت علی علیه السلام فتنه طی یک فرایندی مخفیانه به وجود می‌آید و آهسته آهسته رشد می‌نماید و جوان و تنومند گشته، سپس افول نموده و زمینه‌ساز فتنه‌ای بزرگ‌تر می‌گردد.

قرآن کریم یکی از مصادیق فتنه سیاسی - اجتماعی را فتنه سامری معرفی نموده است.

۱. تعریف از نگارنده است.

(طه: ۹۵-۹۶) امام حسن عسکری علیه السلام درباره واقعه صفین در تشبیه جالبی ماجرای سعی معاویه و عمرو عاص را برای گمراه کردن مردم و ایجاد دو دلی به ماجرای سامری در قوم موسی علیه السلام تشبیه نموده و می فرماید:

ثُمَّ مُحِنْتُكَ يَوْمَ صِفِّينَ، وَقَدْ رُفِعَتِ الْمِصْحَافُ حَيْلَةً وَمَكْرًا، فَأَعْرَضَ الشَّكُّ، وَعُرِفَ الْحَقُّ وَأَتْبَعَ الظَّنُّ، أَشْبَهَتْ مُحِنَّةَ هَارُونَ إِذْ أَمَرَهُ مُوسَى عَلَى قَوْمِهِ فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ، وَ هَارُونَ يَنَادِيهِمْ: «يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِن رِيبَكُمْ مِنَ الرَّحْمَنِ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى» وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا رُفِعَتِ الْمِصْحَافُ قُلْتَ: يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَخُدْعْتُمْ، فَعَصَوْكَ وَخَالَفُوا عَلَيْكَ، وَاسْتَدْعَوْا نَصَبَ الْحَاكِمِينَ، فَأَيَّبْتَ عَلَيْهِمْ، وَتَبَرَّأْتَ إِلَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ وَفَوَّضْتَهُ إِلَيْهِمْ. فَلَمَّا أَشْفَرَ الْحَقُّ وَسَفِهَ الْمُتَكَبِّرُ، وَاعْتَرَفُوا بِالزَّلِيلِ وَالْجَوْرِ عَنِ الْقَصْدِ وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ، وَ الزَّمُوكَ عَلَى سَفَهِ التَّحْكِيمِ الَّذِي أَيْبَيْتَهُ، وَأَحْبَبُوهُ وَحَظَرْتَهُ، وَ أَبَا حُوا ذَنْبُهُمُ الَّذِي اقْتَرَفُوهُ وَ أَنْتَ عَلَى نَهْجِ بَصِيرَةٍ وَهُدًى، وَ هُمْ عَلَى سُنَنِ ضَلَالَةٍ وَ عَمَى، فَمَا زَالُوا عَلَى التَّفِاقِ مُصْرِيينَ، وَ فِي الْعَمَى مُتَرَدِّدِينَ، حَتَّى أَذَاقَهُمُ اللَّهُ وَبَالَ أَمْرِهِمْ، فَأَمَاتَ بِسَيْفِكَ مَنْ عَانَكَ، فَسَقَى وَهَوَى، وَ أَحْيَا بِمُجْتَنِكَ مَنْ سَعِدَ فَهَدَى، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ. (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۲۸۱-۲۸۰)

با دقت در روایت شریف امام حسن عسکری علیه السلام می توان فهمید علت عدم پیروی یاران امام علی علیه السلام از ایشان و دچار تردید و شک شدن شان این بوده است که آنها «علی سنن ضلالت و عمی» بوده اند و بی بصیرتی شان کار را بدان جا کشاند که لشکر اسلام که در آستانه پیروزی بود، مجبور به پذیرش حکمیت شد.

نمونه بارزی از فتنه سیاسی - اجتماعی، فتنه جانشینی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در تبیین فتنه سیاسی - اجتماعی که پس از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله اتفاق افتاد به واکاوی فتنه پرداخته اند. (نهج البلاغه، خ ۱۵۰) از فرمایشات حضرت می توان به پیامد بی بصیرتی یاران دست یافت:

۱. بازگشت به قهقرا (یعنی بازگشت به عصر جاهلیت و دوران سلطه کفر)؛
۲. هلاک شدن در اثر اختلافات و تکیه بر غیر خدا؛
۳. قطع کردن آنچه دستور به وصلش داشتند؛
۴. خروج از ولایت الله و ورود به ولایت فرعونیان.

در مقابل یاوران اندکی نظیر سلمان، ابوذر، عمار و... که بر ولایت امیرمؤمنان علیه السلام ثابت قدم ماندند؛ بر خدا تکیه کرده‌اند و آنچه خدا به وصلش امر فرموده را وصل نمودند و از ولایت خدا خارج نشدند.

### هشدارهای امامان درباره مهم‌ترین چالش سیاسی - اجتماعی آخرالزمان

بر پایه داده‌های روایی هیچ عصر و زمانی از حجت خدا خالی نیست. چنان که در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است:

فِي كُلِّ وَقْتٍ وَ زَمَانٍ إِمَامٌ مِّنَّا يَهْدِيهِمْ إِلَى مَا جَاءَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ. (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۳۲)

از سویی روایات فراوانی که از فتن آخرالزمان سخن می‌رانند، فقدان امام معصوم را هشدار می‌دهند. در این باره روایت شده است:

عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليهما السلام، قَالَ: قُلْتُ: مَا تَأْوِيلُ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ. فَقَالَ: إِذَا فَقَدْتُمْ إِمَامَكُمْ فَلَمْ تَرَوْهُ، فَمَاذَا تَصْنَعُونَ؟ (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۲۵)

در روایتی زراره از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ. زراره از امام می‌پرسد: مَا يَصْنَعُ النَّاسُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ؟ امام می‌فرماید: يَتَمَسَّكُونَ بِالْأَمْرِ الَّذِي هُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ. (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۲۵)

با در کنار هم نهادن روایات خبردهنده از آخرالزمان و روایت پیش‌گفته از امام عسکری علیه السلام می‌توان چرایی دغدغه معصومان درباره آخرالزمان را دریافت. زیرا اگر حلقه اتصال با خلیفه الله از هم بگسلد، دیگر از قرآن جز رسمش و از اسلام جز اسمش باقی نمی‌ماند. چنان که امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى فِيهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رِسْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَمَسَاجِدُهُمْ يَوْمئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى سَكَاتُهَا وَعَمَارَتُهَا شَرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ مِنْهُمْ تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ. (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: حکمت ۳۶۹)

براین اساس فتنه در لباس دینداری بروز می‌نماید و آتش انحراف به خرمن دین زده



می‌شود. بی‌شک با نگاهی ژرف در آموزه‌های دینی دانسته می‌شود ریشه ظاهرگرایی و تهی شدن از هویت اسلامی، کفران نعمت در اثرها کردن روح دین و وا نهادن حلقه اتصال بشریت به ملکوت است. توضیح آن که در نگاه قرآن سنجه نعمت و نعمت بودن هر چیزی، ولایت الله است. علامه طباطبایی رحمته الله علیه در این باره می‌نویسد:

هر چیزی فی نفسه برای انسان نه نعمت است و نه نعمت، تا ببینی انسان با آنچه معامله‌ای بکند، اگر در راه عبودیت خدای تعالی مصرفش کند، و از حیث آن تصرفی که گفتیم روح عبودیت در آن بدمد، و در تحت ولایت خدا که همان تدبیر ربوبی او بر شئون بندگان است قرارش دهد، آن وقت برای او نعمت خواهد بود، و لازمه این حرف این است که نعمت در حقیقت همان ولایت الهی است، و هر چیزی وقتی نعمت می‌شود که مشتمل بر مقداری از آن ولایت باشد... پس اسلام که عبارت است از مجموع آنچه از ناحیه خدای سبحان نازل شده، تا بندگانش به وسیله آن اسلام، وی را عبادت کنند یکی از ادیان الهی است، و این دین بدان جهت که از حیث عمل به آن مشتمل است بر ولایت خدا و ولایت رسول او و ولایت اولیای امر، بدین حیث نعمت خدای تعالی است، و آن هم چه نعمتی که قابل قیاس با هیچ نعمت دیگر نیست. و ولایت خدای سبحان یعنی سرپرست او نسبت به امور بندگان و تربیت آنان به وسیله دین تمام نمی‌شود مگر به ولایت رسولش، و ولایت رسولش نیز تمام نمی‌شود مگر به ولایت اولی الامر که بعد از در گذشت آن جناب و به اذن خدای سبحان زمام این تربیت و تدبیر را به دست بگیرند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۵، ۱۸۱-۱۷۹)

بنابراین دین‌مداری بر محور پذیرش و پیروی از خلیفه‌الله معناپذیر است و هرچه چالش در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه پدیدار می‌شود خاستگاهش ولایت‌گریزی در عرصه نظری و عملی است. دغدغه فقدان امام عصر علیه السلام نیز از این باب در روایات منعکس شده است و سنجه بصیرت به همین دلیل اهمیت بالایی دارد. از این منظر عصر غیبت امام عصر علیه السلام با دوران حضور امامان پیشین دارای وجه اشتراک است و سنجه بصیرت و کارآمدی آن در همه این برهه‌ها قابل بررسی است.

### مهم‌ترین شاخص‌های رفتاری فتنه‌گران سیاسی - اجتماعی در ولایت‌گریزی

بازرترین شاخص‌های رفتاری فتنه‌گران در مواجهه با پذیرش و پیروی از رهبران الهی عبارتند از:

### ۱. زیر سؤال بردن رهبر الهی به منظور ترویج روحیه کارشکنی

فتنه سیاسی - اجتماعی، با غبار آلود کردن فضای سیاسی و ایجاد هرج و مرج و تبلیغ ضد امامان، ضمن تنزل بخشیدن جایگاه ایشان، مردم را به مخالفت با احکام الهی در عرصه حکومت تشویق نموده و حق‌گرایان را در یاری کردن امام دچار تردید می‌نماید. زیر سؤال بردن پیامبرانی نظیر نوح علیه السلام، موسی علیه السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از این قبیل است. ترور شخصیت در همین راستا انجام می‌شود و معاویه از آن حربه بسیار سود جست و با اتهام و افترا و تخریب شخصیت علی علیه السلام توانست بر کرده مردم بنشیند. کاری که خوارج ضد حاکمیت علی علیه السلام انجام دادند با همین هدف بود. دوازده هزار نفر را برای مقابله با علی علیه السلام گرد آوردند که پس از بصیرت بخشی امیرمؤمنان علی علیه السلام به ایشان، هشت هزار نفر پشیمان شده و از مقابله با امیرمؤمنان علیه السلام انصراف دادند. (دینوری، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۷۰-۱۶۹) در عصر غیبت به ویژه در دنیای امروز شاهد به کارگیری این حربه ضد امام زمان علیه السلام و رهبران جهان تشیع و... هستیم. یکی از ابزارهای که دشمن برای تخریب شخصیت رهبر الهی به کار می‌گیرد شایعه است. قرآن کریم شایعه‌پراکنان در عرصه سیاسی را «مرجفون» نامیده است و در سوره احزاب می‌فرماید:

﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُتَفِفُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا﴾ (احزاب: ۶۰).

مرجفون از ماده «ارجاف» به معنی اشاعه اباطیل به منظور غمگین ساختن دیگران است. در لغت آمده است:

أَرْجَفَ الْقَوْمُ، إِذَا خَاصُوا فِي الْأَخْبَارِ السَّيِّئَةِ، وَذَكَرَ الْفِتَانَ؛

مرجفون به تولیدکنندگان اخبار دروغ گفته می‌شود؛ اخباری که اضطراب را در جامعه به همراه دارد. (ازهری، ۱۴۲۱: ج ۱۱، ۳۲)

برخی مفسران قائلند هر سه وصف در آیه درباره منافقان کور دل است. (ابن عاشور، بی‌تا: ج ۲۱، ۳۳۰) دشمن می‌کوشد با این شیوه، رهبران الهی و جبهه حق را منزوی کرده، از صحنه بیرون کند و مردم را از پیرامون شان پراکنده سازد؛ چرا که مردم به دنبال رهبرانی حرکت می‌کنند که مورد اعتماد و راستگو باشند و دشمن می‌خواهد این اعتماد را از بین ببرد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲: ۸۱) از این رو برای ناکارآمد کردن رهبر الهی و پیروان راستینش،

با شایعه پراکنی و دروغ‌بافی، مردم بی‌بصیرت را ضد ایشان تحریک می‌کردند. به عنوان نمونه علی علیه السلام را دروغگو معرفی کرده بودند و یا امام حسن علیه السلام را ترسو و ذلیل‌کننده مؤمنان و امام حسین علیه السلام را خارجی معرفی نمودند. امیرمؤمنان علی علیه السلام در سرزنش این نوع دروغ‌پردازی‌ها فرمودند:

به من خبر رسیده که می‌گوئید: «علی خلاف می‌گوید» خدا شما را بکشد، به چه کسی دروغ بسته‌ام؟ آیا به خدا دروغ بسته‌ام که خود نخستین مؤمن به او هستم یا بر پیامبرش که نخستین صدقش بوده‌ام... (نهج البلاغه، خ (۷)).

درباره امام زمان علیه السلام نیز دنیاپرستان در قالب اشراق، اندیشمندان جیره‌خوار حکومت‌های جور، حاکمان با ایده اسلام معاوییه‌ای و امروزه اسلام آمریکایی و... به انکار، تخریب دکتربین مهدویت و تضعیف جامعه منتظران و... می‌پردازند. کاری که غرب در فتنه سال ۱۳۸۸ در ایران انجام داد مبتنی بر این شاخص بود.

## ۲. هدف قرار دادن خواص جامعه و سوءاستفاده از مقدسات

نقش خواص جامعه و تأثیرگذاری ایشان، نقشی کلیدی است و سران فتنه و طراحان مبارزه با حاکمیت امامان، تلاش‌شان این است که با هدف قرار دادن خواص جامعه، و همفکر کردن آنها، از نقش آنان در جامعه به منظور مقابله سیاسی با رهبر الهی، استفاده نمایند. بر این اساس، جامعه هدف در فتنه سیاسی، ابتدا و بالذات خواص جامعه هستند و پس از آن آحاد افراد عادی جامعه اسلامی هدف فتنه‌اند.

وسوسه‌ها و فریب‌هایی که برای جذب سران قبائل و بزرگان و خواص یک جامعه اسلامی انجام می‌شود، در راستای چنین نقشه‌ای است.

سوءاستفاده از چهره‌های شناخته شده کم‌بصیرت و استفاده ابزاری از مقدسات از حیل‌های دشمنان است. این مهم در عرصه سیاسی نیز فراوان به کار برده می‌شود و برای پیشبرد یک حزب سیاسی و به کرسی نشاندن دیدگاه‌های سیاسی ضد دینی، از این شیوه فریبنده استفاده می‌شود. استفاده ابزاری از مسجد، قرآن، هیأت‌های مذهبی، شور جوانی، شخصیت‌های شناخته شده ساده‌لوح از شیوه‌های دشمنان در فتنه‌های سیاسی است.

این‌گونه استفاده‌های ابزاری امروزه بازار داغی دارد و از مقدسات برای تبلیغات انتخاباتی و... سوءاستفاده‌های بسیاری می‌شود که با بصیرت و تیزبینی می‌توان این حربه

را خنثی نمود.

### ۳. مخالفت عملی با دستور رهبر الهی

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَسْتَلُونَ مِنْكُمْ لَوْ آذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾  
(نور: ۶۳)؛

صدا کردن پیامبر را در میان خود، مانند صدا کردن يك ديگر قرار ندهيد خدا کسانی از شما را که پشت سر دیگران پنهان می‌شوند، و یکی پس از دیگری فرار می‌کنند می‌داند! پس آنان که فرمان او را مخالفت می‌کنند، باید بترسند از این‌که فتنه‌ای دامن‌شان را بگیرد، یا عذابی دردناک به آن‌ها برسد!

برخی مفسرین «الَّذِينَ يَسْتَلُونَ مِنْكُمْ لَوْ آذًا» را در شأن منافقون می‌دانند. (فتح‌الله کاشانی، ۱۳۳۶ ش: ج ۶، ۳۲۷؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق: ج ۱۶، ۳۷۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۴، ۵۶۶) یعنی منافقان کسانی هستند که با دستور امام مخالفت عملی می‌نمایند.

این آیه تنها یکی از صدها نمونه مخالفت عملی فتنه‌گران سیاسی با دستور امام است و منابع نقلی پر است از انواع مخالفت‌های فتنه‌گران با دستورهای امام. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

وَاسْتَرَاخَ قَوْمٌ إِلَى الْفِتَنِ وَاسْتَأْلَوْا عَنْ لِقَاحِ حَرْبِهِمْ؛

گروهی (از ضعیف‌الایمان‌ها) به خاطر راحت‌طلبی به این فتنه‌ها پیوستند، و دست از مبارزه در راه حق کشیدند. (نهج‌البلاغه، خ ۱۵۰)

سرانجام این مخالفت‌ها به تباهی نقشه‌های رهبر الهی برای آبادانی جامعه اسلامی منجر می‌شود؛ چنان‌که علی علیه السلام به پیروان خویش می‌فرماید:

أَفْسَدْتُمْ عَلَى رَأْيِي بِالْعُضْيَانِ وَالْحِذْلَانِ؛

با سرپیچی و یاری نکردن نقشه‌ها و طرح‌های مرا (برای سرکوبی دشمن و ساختن يك جامعه آباد اسلامی) تباه کردید. (نهج‌البلاغه، خ ۲۷)

برخی از مدعیان مهدی‌یآوری به دلیل بی‌بصیرتی ناشی از ضعف ایمان، به فتنه‌ها می‌پیوندند و رهبرشان را در مبارزه با دشمنان تنها رها می‌کنند. در روایتی از امام باقر علیه السلام درباره امام زمان علیه السلام آمده است:

فَيَا طُوبَىٰ لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَكَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَالْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ خَالَفَهُ وَخَالَفَ أَمْرَهُ. (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۲۳۵)

با دقت در روایت مذکور می توان دانست حضرت دو گروه را نفرین کرده است:

۱. کسی که با امام مخالفت کند؛

۲. کسی که با دستورات امام مخالفت کند.

در یک نگاه می توان مخالفت با امام زمان علیه السلام را در سه محور قرار دارد:

(الف) انکار امام بدون مخالفت عملی؛

(ب) پذیرش بینشی اما مخالفت عملی؛

(ج) انکار بینشی به همراه مخالفت عملی.

اما به قرینه سیاق می توان دانست همان طور که ادراک زمان ظهور با قید «کان من انصاره» شخص را مستحق «طوبی» می کند، در مقابل نیز «ویل» شامل کسانی است که مخالفت بینشی شان را در عمل نشان می دهند. اگرچه می توان گفت مخالفت بینشی با امام نیز یعنی در جبهه حق نبودن. بنابراین روایاتی که به بازگشت از باورداشت امام زمان علیه السلام در آخرالزمان هشدار داده اند، اگرچه به مخالفت با امام تصریح نکرده اند اما در حقیقت از خالی کردن جبهه حق خبر می دهند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۸۵-۳۸۴؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۳۹)

درباره انکار امام زمان علیه السلام در زمان ظهورشان روایت شده است:

حَتَّى يَقُولَ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ لَيْسَ هَذَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَوْ كَانَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ لَرَجِمَ. (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۲۳۳)

با دقت در توجیه این انکار، می توان دانست بی بصیرتی نسبت به ابعاد حکومتی حضرت مهدی علیه السلام عامل اصلی رویگردانی از ایشان است. زیرا طبق آیات قرآن کریم، همانگونه که «ضرب الرقاب» در مواجهه با «الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (محمد: ۱) وظیفه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و یاران ایشان است، مأموریت حضرت مهدی علیه السلام در برپایی حکومت عدل الهی در گستره هستی نیز جز این نیست.

۴. تحاکم به طاغوت و توجیه آن

قرآن کریم درباره سران فتنه می فرماید:

﴿أَمْ تَرَىٰ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ وَمَا أَنزَلْنَا مِن قَبْلِكَ يَرِيدُونَ أَن يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَن يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَن يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا

بَعِيدًا، وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتُ الْمُتَنَافِقِينَ يُضْطَوْنَ عَنْكَ  
ضُدُودًا ﴿نساء: ۶۱-۶۰﴾.

در آیه دیگر آمده است:

﴿هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَاللَّهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ  
الْأَرْضِ وَلَا كَيْفَ الْمُتَنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ﴾ (منافقون: ۷).

قرآن کریم درباره روحیه توجیه‌گرایانه فتنه‌گران سیاسی نسبت به گناه تحاکم‌شان به  
طاغوت می‌فرماید:

﴿كَيْفَ إِذَا أَصَابْتَهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا  
إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا، أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي  
أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا﴾ (نساء: ۶۳-۶۲)؛

پس چگونه وقتی به خاطر اعمال‌شان، گرفتار مصیبتی می‌شوند، سپس به سراغ تو  
می‌آیند، سوگند یاد می‌کنند که منظور (ما از بردنِ داوری نزد دیگران)، جز نیکی کردن و  
توافق (میان طرفین نزاع)، نبوده است؟! آنها کسانی هستند که خدا، آنچه را در دل دارند،  
می‌داند. از (مجازات) آنان صرف‌نظر کن! و آنها را اندرز ده! و با بیانی رسا، نتایج  
اعمال‌شان را به آنها نقش گوشزد نما!

### نقش بصیرت پیروان در رویارویی با چالش فتنه سیاسی

بصیرت نقش کلیدی در پیروی از امام زمان علیه السلام در فتنه‌های سیاسی دارد. براساس فرمایش  
امام حسین علیه السلام (ابن شعبه، ۱۴۰۴: ۲۴۵) در فتنه‌های زمانه است که صف بندگان خدا از  
بندگان دنیا جدا می‌شود و دیان واقعی از دیان نماها جدا می‌گردد.  
امیرمؤمنان علیه السلام از فتنه جمل رمزگشایی می‌نماید و در بیانی شیوا، ضمن پرده‌برداری از  
مقام پرستی طلحه و زبیر، بی‌بصیرتی ایشان را متذکر شده و می‌فرماید:

هر کدام از آن دو (طلحه و زبیر) امید دارد که زمامداری و حکومت به دست او افتد و آن را  
به سوی خود می‌کشد نه به سوی رفیقش! آنها نه به رشته‌ای از رشته‌های محکم‌الاهی  
چنگ زده‌اند، و نه به وسیله‌ای به او نزدیک شده‌اند، هر کدام بار کینه رفیق خویش را به  
دوش می‌کشد، و به زودی پرده از روی آن برداشته می‌شود. به خدا سوگند اگر به آنچه  
می‌خواهند برسند این یکی جان دیگری را می‌گیرد، و آن یکی این را از میان می‌برد،  
گروهی طغیانگر و فتنه‌انگیز به پا خواسته‌اند، پس آنها که حقایق را به خاطر خدا آشکار

می‌سازند کجایند؟ در حالی که سنت پیامبر برایشان بیان شده و اخبار (امروز) را قبلاً به آنان گفته‌اند برای هر گمراهی علت و سببی است و برای عهدشکنی بهانه‌ای به خدا سوگند من هم چون کسی نخواهم بود که صدای بر سر و سینه کوبیدن و ندای مخبر مرگ را بشنود و چشم‌های گریان را ببیند اما عبرت نگیرد. (نهج البلاغه، خ ۱۴۸)

از این بیان حضرت چند نکته قابل اصطیاد است:

**اول:** این‌که امامان نقش بصیرت‌زایی داشته‌اند و همواره بر ایجاد و افزایش بصیرت در میان مردم جامعه تأکید داشتند.

**دوم:** شناخت منافقان نیاز به بصیرت دارد و بدون بصیرت مردم فریب ظاهرایشان را می‌خورند.

**سوم:** افرادی که جنگ جمل را به راه انداختند در اثر دنیاپرستی پرده غفلت بردل‌هاشان افکنده شد.

پس از بیان این مطلب به اهم موارد نقش‌آفرینی بصیرت در پیروی از امام در رویارویی با فتنه سیاسی می‌پردازیم:

#### ۱. باورداشت حاکمیت الهی امام زمان علیه السلام

به طور کلی از نگاه اسلام حکم در دو ساحت تکوینی و تشریحی اولاً و بالذات از آن خداست. (انعام: ۵۷، ۶۲؛ یوسف: ۴۰، ۶۷؛ رعد: ۴۱؛ قصص: ۷۰؛ مؤمن: ۱۲) در عین حال در پاره‌ای از موارد حکم (به ویژه حکم تشریحی) را به غیرخدا هم نسبت داده (مانند: مائده: ۴۸-۴۹، ۹۵؛ ص: ۲۶) که این مقام را خدای سبحان بر او ارزانی داشته است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۷، ۱۱۷-۱۱۵)

در مقابل این دیدگاه، برخی مسلمانان با شعار «لا حکم الا لله» کوشیدند تا ایده خویش را به کرسی بنشانند. ایشان مدعی بودند که نباید در میان بشر، حکومت باشد. چنین دیدگاهی نزدیک به تفکر آنارشسیسم است. آنارشسیسم در زبان سیاسی به معنای نظامی اجتماعی و سیاسی بدون دولت، یا به طور کلی جامعه‌ای فاقد هرگونه ساختار طبقاتی یا حکومتی است. آنارشسیسم برخلاف باور عمومی، خواهان «هرج و مرج» و جامعه «بدون نظم» نیست، بلکه همکاری داوطلبانه را درست می‌داند که بهترین شکل آن ایجاد گروه‌های خودمختار است. آنارشسیست‌ها به طور کلی با حاکمیت هرگونه دولت مخالفند و دموکراسی را نیز استبداد اکثریت می‌دانند.

(آشوری، ۱۳۵۱: ۳۲-۳۰) لذا رهبری و امامت را نفی می‌کردند و فرقی بین رهبر الاهی و غیره قائل نبودند. امیرمؤمنان علی علیه السلام در ردّ چنین دیدگاهی فرمودند:

كَلِمَةُ حَقٍّ يَرَادُ بِهَا بَاطِلٌ. (مهج البلاغه، خطبه ۴۰)

سپس به تبیین ضرورت وجود امام پرداختند و سوء برداشت از این‌گونه آیات را هشدار داده و این‌که امارت و حکومت از بشریت نفی شود را با جمله «وَلَكِنَّ هَؤُلَاءِ يَقُولُونَ لَا إِمْرَةَ إِلَّا لِلَّهِ وَإِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ» رد نموده و مردم را نیازمند رهبر دانستند.

باید دانست که اسلام در هیچ شرایطی ضرورت رهبری سیاسی را نفی نمی‌کند، هرچند رهبر، خطاکار و تبه‌کار باشد. در توضیح این معنا امام تأکید می‌فرماید که در حکومت فاجر نیز درآمدهای ملی جمع‌آوری و توزیع می‌شود، راه‌ها امن می‌گردد و فعالیت‌های اقتصادی به جریان می‌افتد و حتی همین حکومت فاجر با دشمن مردم پیکار می‌کند و حق ضعیف را از قوی می‌گیرد. از این رو حکومت فرمانروای فاجر بر حکومت هرج و مرج و فتنه و آشوب برتری دارد. (ری شهری، ۱۳۷۵: ۳۰)

از دیگر سو حضرت وظیفه اهل ایمان را در زمان غیبت رهبر الاهی مشخص می‌نماید؛ زیرا به هر حال امامت و رهبری و حکومت و زمامداری در جامعه بشری ضرورت دارد و اگر تشکیلات رهبری حق و حکومت صالح راه نیفتند و طرح آن پیاده نشود، بدون شک حکومتی ناصالح و فاسد روی کار خواهد آمد و زمام رهبری و مدیریت جامعه را به دست خواهد گرفت، چنان‌که خود خوارج در طول تاریخ چه در زمان علی علیه السلام و یا در قرون متأخر کاملاً تشکیلاتی عمل کرده و تحت پوشش نوعی رهبری و زعامت قرار گرفتند. آنان در آغاز در اطراف «ذوالثدیه» در نهر روان گرد آمدند و تحت پوشش رهبری او بر امام برحق شوریدند و آشفتگی‌هایی را به وجود آوردند و در اعصار بعد هم افرادی به عنوان رهبران این جریان، پیش افتادند و رخدادهای تلخی را در جهان اسلام موجب گشتند، حکومت و رهبری آنان مصداقی بارز از مصادیق رهبری‌های فاسد و حکومت‌های ناصالح است. (ر.ک: سیدعلوی، ش ۴-۵)

و چون وجود حکومت‌های ناصالح، بسترساز شقاوت جامعه است، امیرمؤمنان علی علیه السلام در ادامه فرمایش خویش از میان رهبر شر و رهبر خیر، رهبر خیر را مناسب سعادت بشری معرفی نموده و فرمودند:



أَمَّا الْإِمْرَةُ الْبَرَّةُ فَيَعْمَلُ فِيهَا التَّقَىٰ وَ أَمَّا الْإِمْرَةُ الْفَاجِرَةُ فَيَتَمَتَّعُ فِيهَا الشَّقَىٰ إِلَىٰ أَنْ تَنْقَطِعَ مُدَّتُهُ وَ تُدْرِكُهُ مَمِيَّتُهُ. (نهج البلاغه، خ ۴۰)

از فائی که بر سر «یعمل» و «یتمتع» آمده است می‌توان دانست وجود حکومت‌ها و رهبری صالحان، بسترساز عمل کردن اهل تقوا است و وجود حکومت‌ها و رهبری ناصالحان، زمینه را برای بهره‌مندی اهل شقاوت و گمراهی فراهم می‌سازد.

با دقت در نمونه‌های تاریخی مانند جریان صفین و... می‌توان دانست که ریشه شعارهای لا حکم الا لله و جریان خوارج، بی‌بصیرتی و نداشتن بینشی درست از رهبری الهی بود. از شواهد تاریخی دانسته می‌شود که خوارج نه یهودی بودند و نه مسیحی! ایشان انسان‌هایی بودند که ظاهراً متمسک به دستورات دین اسلام بودند و نماز و نافلة و فراوان قرآن می‌خواندند. آنان با نیرنگ‌های شیطانی معاویه و در اثر خشک مغزی و تحجری که داشتند، مطمع طمع دشمنان اسلام قرار گرفتند و آنان از این دست افراد بی‌بصیرت به عنوان ابزار استفاده نمودند. این بی‌بصیرتی خوارج بود که آنها را به پیروی نکردن از حکومت دینی کشانید و کار به جایی رسید که دست از حکومت دینی شستند. مشکل این دسته از مسلمانان این بود که امام و رهبری برای خویش نپذیرفتند و تنها حکم الله را بدون وجود تبیین‌کننده و اجراکننده حکم الله، معیار قرار داده بودند. امیرمؤمنان علی علیه السلام در بیانی بصیرت‌زا این دسته از گمراهان را کسانی معرفی می‌نماید که نه راهی طی می‌کنند که به مقصود رسند و نه امامی برگزیده‌اند که رهبری شان نماید:

و هُوَ فِي مُهَلَّةٍ مِنَ اللَّهِ يَهْوَىٰ مَعَ الْغَافِلِينَ وَيَعْدُو مَعَ الْمُتَذَنِّبِينَ بِلَا سَبِيلٍ قَاصِدٍ وَلَا إِمَامٍ قَائِدٍ مِنْهَا حَتَّىٰ إِذَا كَشَفَ لَهُمْ عَنْ جَزَاءِ مَعْصِيَتِهِمْ وَ اسْتَخْرَجَهُمْ مِنْ جَلَابِيبِ غَفْلَتِهِمْ اسْتَقْبَلُوا مُدْبِرًا وَ اسْتَدْبَرُوا مُقْبِلًا فَلَمْ يَنْتَفِعُوا بِمَا أُذِرُّوْا مِنْ طَلِبَتِهِمْ وَلَا بِمَا قَضَوْا مِنْ وَطَرِهِمْ إِنِّي أُحَدِّثُكُمْ وَ نَفْسِي هَذِهِ الْمُنْزَلَةَ فَلْيَنْتَفِعِ امْرُؤٌ بِنَفْسِهِ. (نهج البلاغه، خ ۱۵۳)

براساس روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام ایمان چهار رکن دارد: صبر، یقین، عدل و جهاد. در این میان تبصرة الفطنة شعبه‌ای از یقین است. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۵۱-۵۰) بی‌شک یقین به ولایت الله که اکمالش با ولایت ائمه علیهم السلام رقم خورده است، از اهم ارکان است. تبصرة الفطنة به معنای بصیرت و دوراندیشی همراه با زیرکی و فطانت است؛ یعنی تیزبینی همراه با هوش و درایت در فهم و قابلیت دریافت صحیح و درست. بنابراین یقین به الهی بودن حاکمیت امام

زمان علیه السلام چه در عصر غیبت و چه در عصر ظهور از ارکان ایمان است و بدون وجود بصیرت این رکن بنا نمی‌شود.

از ویژگی‌های یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه ولایت‌مداری ایشان است. در حقیقت با دستور الهی در آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) را نصب‌العین خویش قرار داده و از جان و دل پیرو محض امام زمان علیه السلام خویش‌اند. از این رو درباره ایشان روایت شده است:

هُم أَطَوُّعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا. (نبلی نجفی، ۱۴۲۶: ۹۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۰۷)

و به همین دلیل باورداشت حاکمیت الهی امام خویش عاشق و شیدای اویند. چنان‌که «كَأَنَّ عَلَى خِيُولِهِمُ الْعُقْبَانَ يَتَمَشَّحُونَ بِسَرْجِ الْإِمَامِ علیه السلام يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبِرْكَةَ يَخْفُونَ بِهِ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ» (نبلی نجفی، ۱۴۲۶: ۹۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۰۷) و در اثر بصیرت نسبت به امام زمان علیه السلام توفیق یاری حضرت را پیدا می‌کنند: «بِهِمْ يُنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ» (همو)

## ۲. شناخت ترفندهای سیاسی دشمن

بصیرت نسبت به دشمن و روش‌های استکباری آن، یکی از شاخه‌های بصیرت سیاسی است. پیرو برخوردار از بصیرت سیاسی، دشمن را می‌شناسد، از ترفندهای آن آگاه است، از این رو فریب وعده و وعیدها و زرق و برق‌های آن را نمی‌خورند.

قرآن کریم در مقام آگاهی‌بخشی و بصیرت‌زایی، روش‌های مختلف استکباری را بیان فرموده است که عبارتند از تهدید (طه: ۷۳-۷۰)، ایجاد دلهره اقتصادی (بقره: ۲۶۸)، استخفاف (زخرف: ۵۴)، آمیختن حق و باطل و... .

دوران چهل ساله انقلاب اسلامی به‌ویژه سال ۱۳۹۷ را می‌توان سال نمود و بروز بیش از پیش ترفندهای سیاسی دشمنان نظام مقدس اسلامی ایران دانست و وجود بصیرت در پیروان خط ولایت است که عبور از این موانع و ترفندها را ممکن می‌سازد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

اگر باطل از حق کاملاً جدا می‌گردید بر آنان که پی جوی حقیقتند پوشیده نمی‌ماند، و چنان‌چه حق از باطل خالص می‌شد، زبان معاندان از آن قطع می‌گردید، ولی قسمتی از حق و قسمتی از باطل را می‌گیرند و به هم می‌آمیزند. این‌جا است که شیطان بر دوستان خود چیره می‌شود و تنها آنان که مورد رحمت خدا بوده‌اند نجات می‌یابند. (نهج‌البلاغه، خ ۵۰)

### ۳. جریان‌شناسی سیاسی

از کارآمدی‌های بصیرت‌شناخت جریان‌های سیاسی است. نظیر شناخت جریان فکری - سیاسی خوارج در زمان امیرمؤمنان علی علیه السلام و جریان داعش در زمانه ما، که با ظاهری دینی ظهور پیدا می‌کنند و عده بسیاری از انسان‌های بی‌بصیرت را فریفته شعارهای خویش می‌نمایند. با بصیرت سیاسی است که انسان می‌تواند جریان‌های مختلف سیاسی - اجتماعی را بشناسد و علل وقوع و ریشه‌های یک حادثه را کشف نماید و با ابهام‌زدایی از رخداد سیاسی، زوایای پنهان، تاریک و پشت پرده حوادث را آشکار سازد. با بالا رفتن قدرت تحلیل سیاسی است که به شناخت درست می‌توان رسید و پس از شناخت درست، می‌توان تصمیم و موضع‌گیری درستی در مسائل مختلف سیاسی - اجتماعی داشت و از فتنه‌های سیاسی در امان ماند.

هم‌چنین از کارآمدی‌های بصیرت در عرصه سیاسی جبهه‌شناسی است. جبهه آن‌جایی است که نیروهای خودی به مبارزه با دشمن مشغولند. این‌که به درستی جبهه دوست و دشمن را درک کنیم تا بدانیم خودی‌ها در کدام جبهه باید قرار گیرند و غیرخودی‌ها در کدام جبهه. جبهه‌شناسی از آن رو یک راهبرد محسوب می‌شود که گاه به دلیل آمیختگی حق و باطل و غبارآلود شدن فضا، به ویژه در دوران فتنه سیاسی - اجتماعی، شناخت جبهه حق و باطل، جبهه دوست و دشمن مشکل می‌شود. در این دوران دیده می‌شود که برخی افراد سابقه‌دار در جبهه حق در دو طرف درگیری حضور دارند، از این رو افراد در این‌که کدام جبهه، حق است و کدام باطل دچار تردید می‌شوند. در چنین شرایطی انسان مؤمن نمی‌تواند خود را از صحنه نبرد کنار بکشد؛ چون نتیجه گوشه‌گیری و کناره گرفتن از جبهه مبارزه، تضعیف حق است و به سود باطل. بنابراین شناخت جبهه دوست از دشمن با بهره‌گیری از معیارها و شاخص‌ها، اصلی بسیار مهم است. (مظفری، ۱۳۸۹: ۱۰۹)

بنابراین، از کارآمدی‌های بصیرت، ایجاد و بالا رفتن قدرت تحلیل سیاسی است. تحلیل سیاسی یعنی توصیف درست و بررسی صحیح پدیده‌های مربوط به قدرت و سیاست به منظور پاسخگویی به چگونگی و چرایی وقوع آنها. (مظفری، ۱۳۸۶: ۴۰)

### ۴. جلوگیری از پایمال شدن حق حاکمیت امام

باید دانست نقش بصیرت در پیروی از امام در عرصه سیاسی آن است که پیروان با

بصیرت‌شان در صحنه حاضر باشند و نگذارند حق حاکمیت امام پایمال شود و حاکمیت بازیچه کوردلان زمانه شود. از برخی تصریحات ائمه علیهم‌السلام این مهم دانسته می‌شود که اگر یاوران بصیر وجود داشتند، ایشان خانه نشین نمی‌شدند. در حالی که به دلیل بی‌بصیرتی یاوران، ماجرا به گونه دیگری رقم خورد.

ماجرای سقیفه مصداقی است گویا برای بی‌بصیرتی مسلمانان در احقاق حق امام. حضرت زهرا علیها‌السلام در خطبه فدکیه می‌فرماید:

ای جماعت مسلمین که عجلانه مبادرت به انتخاب امری باطل و ناصواب کردید، آیا پیرامون آیات قرآن هیچ تدبیر و تأمل نمی‌کنید یا این‌که دل‌های شما در حجاب رفته و پوشیده شده؟ نه این‌طور نیست بلکه بدی کردار و اعمال‌تان بر دل‌های شما غالب شد و توان شنیدن و دیدن را از گوش و چشم شما گرفت و چه بد تأویل کردید و چه راه زشتی را پیش گرفتید و بدتر از همه آن وجهی است که به سبب آن حق دیگران را غصب کردید. (ابن ابی طیفور، بی‌تا: ۵)

اجماعی که برای پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جانشین برگزیدند، در واقع درباره چیزی تصمیم گرفتند که حق صدور رأی درباره آن را نداشتند. نصب حاکم الهی در حیطه حضرت حق است و درباره نصب رهبر الهی حق مشورت وجود ندارد؛ زیرا شوری منحصرأ در مورد کارهای اجرایی و شناسایی موضوعات است نه در باره احکام که تنها باید از مبدء وحی و از کتاب و سنت گرفته شود. (مکارم، ۱۳۷۴: ج ۲۰، ۴۶۳)

در روایتی تکان‌دهنده درباره چرایی قیام نکردن امیرمؤمنان علی علیه‌السلام برای احقاق حق حاکمیت خویش، می‌خوانیم:

أَبَانٌ عَنْ سُلَيْمٍ قَالَ كُنَّا جُلُوسًا حَوْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَوْ اسْتَنْفَرْتَ النَّاسَ فَقَامَ وَ حَطَبٌ فَقَالَ أَلَا إِنِّي قَدْ اسْتَنْفَرْتُكُمْ فَلَمْ تَنْفِرُوا [و نَصَحْتُكُمْ فَلَمْ تَقْبَلُوا] وَ دَعَوْتُكُمْ فَلَمْ تَسْمَعُوا فَأَنْتُمْ شُهُودٌ كَغِيَابٍ وَ أَخْيَاءٌ كَأَمْوَاتٍ وَ صُمٌّ ذَوُو أَسْمَاعٍ أَثَلُّوْا عَلَيْكُمْ الْحِكْمَةَ وَ أَعْظَمُوا بِالْمُعَظَّةِ الشَّافِيَةَ [الْكَافِيَةَ] وَ أَحْتَكُمُ عَلَى الْجِهَادِ لِأَهْلِ الْجُورِ فَمَا آتَى عَلَى آخِرِ كَلَامِي حَتَّى أَرَاكُمْ مُتَفَرِّقِينَ [حَلَقَاءَ شَيْءٍ] تَتَنَاشَدُونَ الْأَشْعَارَ وَ تَضْرِبُونَ الْأَمْثَالَ وَ تَسْأَلُونَ عَنِ سِعْرِ الثَّمَرِ وَ اللَّيْنِ تَبَّتْ أَيْدِيكُمْ لَقَدْ سَنِمْتُمُ الْحَرْبَ وَ الْاِسْتِعْدَادَ لَهَا وَ أَصْبَحَتْ قُلُوبُكُمْ فَارِغَةً مِنْ ذِكْرِهَا سَعَلْتُمُوهَا بِالْأَبَاطِيلِ وَ الْأَخْضَالِيلِ [وَ الْأَعْيَالِيلِ] وَ يَحْكُمُ اغْرُؤُهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغْرُوكُمْ فَوَاللَّهِ مَا غَرِي قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ

دَارِهِمْ إِلَّا ذُلُّوا وَإِيمُ اللَّهِ [مَا أَظُنُّ أَنْ تَفْعَلُوا حَتَّى يَفْعَلُوا] وَدِدْتُ أَنِّي قَدْ رَأَيْتُهُمْ فَلَقِيْتُ اللَّهَ عَلَى بَصِيرَتِي [وَيَقِينِي]... يَا ابْنَ قَيْسٍ أَمَا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ إِنِّي لَوَجَدْتُ يَوْمَ بُوَيْعِ أَخَوَاتِي الَّذِي عَيَّرْتَنِي بِدُخُولِي فِي بَيْعَتِهِ أَرْبَعِينَ رَجُلًا كُلُّهُمْ عَلَى مِثْلِ بَصِيرَةِ الْأَرْبَعَةِ الَّذِينَ قَدْ وَجَدْتُ لَمَّا كَفَفْتُ يَدِي وَلَنَا هَضَّتِ الْقَوْمَ وَلَكِنْ لَمْ أَجِدْ حَامِسًا [فَأَمْسَكْتُ] قَالَ الْأَشْعَثُ فَسِنَّ الْأَرْبَعَةَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ ﷺ سَلْمَانُ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ الْمُقْدَادُ وَ الرُّبَيْرُبُّنُ صَفِيَّةَ قَبْلَ نَكَيْتِهِ بَيْعَتِي... (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲، ۶۶۹؛ ابن طاووس، ۱۴۲۰: ۵۰۴)

اوج مظلومیت رهبر الاهی را می توان در این عبارات دید و خون گریه کرد! حضرت از یاوران بی بصیرت ناله سر می دهد و می فرماید اگر چهل نفر مرد بودند که بصیرت شان به اندازه چهار نفری بود که یافتیم، کوتاه نمی آمدم. اما من نفر پنجمی نیافتم. یعنی دیگر بار بصیر نداشتیم تا از حق خود دفاع کنم!!!

از این گونه روایات می توان به نقش مهم بصیرت در اعتلای پرچم الاهی پی برد. بودن یاوران بصیر و یاری ایشان نسبت به رهبر الاهی در پیاده شدن احکام دین و دستورات خداوند، مسئله ای اساسی است که بدون آن کار به سرانجام نمی رسد. در ادامه روایت حضرت درباره یاوران بصیرش می فرماید:

وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ سَلْمَانُ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ الْمُقْدَادُ فَشَبَّوْا عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ حَتَّى لَحِقُوا بِاللَّهِ يَوْمَ يَرْجَمُهُمُ اللَّهُ. (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲، ۶۶۹)

این سه تن از پرچمداران بصیرت و دارای منزلتی درخشان بودند. اسلام شناسی، رهبرشناسی، زمان شناسی و... از شاخص های ایشان بود و باعث شد هرگز تن به ذلت نسپارند و در دفاع از حریم ولایت جان فشانی نمایند.

براساس این گونه روایات کمبود یاوران بصیر باعث شد که امیرمؤمنان ﷺ از حق مسلم خویش محروم بماند و جامعه انسانی ضررهای جبران ناپذیری را متحمل گردد. وقتی پس از رحلت پیغمبر ﷺ به امیرمؤمنان علی ﷺ درباره ماجرای سقیفه گزارش دادند، حضرت علی ﷺ از شرکت کنندگان در سقیفه و عدم تشخیص صحیح ایشان شکایت فرمودند و انتظار داشتند مسلمانان برای پایمال نشدن حق حاکمیت سیاسی امام احتجاج کنند و دلیل بیاورند. اما بی بصیرتی آنها باعث پایمال شدن آن حق الاهی شد. (نهج البلاغه، خ ۶۷)

این گونه بیانات از سایر ائمه ﷺ نیز وارد شده است. به عنوان نمونه مجبور شدن حضرت

امام حسن علیه السلام به صلح، عدم قیام ائمه معصومان علیهم السلام مانند امام صادق علیه السلام و... از این باب است. در روایتی آمده است:

عباد بصری، علی بن الحسین علیه السلام را در راه مکه دید و عرض کرد: ای علی بن الحسین! چرا جهاد را که سخت است رها کردی و زیارت حج را که آسان است اختیار نمودی؟ حضرت ضمن تلاوت آیه «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه: ۱۱۲) فرمودند: اگر برخورد کنیم به کسانی که این صفات را داشته باشند البته جهاد کردن در معیت آنان از حج بهتر است. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۲۲)

در روایتی از سدیر صیرفی چنین آمده است:

در ملاقاتی به امام صادق علیه السلام عرض کردم: به خدا سکوت و نشستن و قیام نکردن دیگر برای شما شایسته نیست. پرسید: چرا؟ گفتم: چون دوستداران تان، شیعیان تان و یاران تان فراوان شده‌اند به قدری که به خدا قسم اگر امیرمؤمنان علی علیه السلام از این تعداد یاران برخوردار بود، تیم و عدی در خلافت آن حضرت طمع نمی‌کردند. امام فرمود: فکر می‌کنی این یاران که برشمردی چه مقدارند؟ عرض کردم یکصد هزار نفر، فرمود: یکصد هزار؟ گفتم: بله، بلکه دویست هزار. فرمود: دویست هزار؟ گفتم: بله، بلکه نصف دنیا. آن حضرت دیگر به سختم اعتنائی نفرمود بعد از لحظاتی فرمود: برایت ممکن است ما را به یثیع برسانی گفتم: بله. امام دستور داد تا درازگوشی و اسبی را زین کنند... پس آمدیم تا به سرزمینی رسیدیم که خاک سرخی داشت. در آن جا نگاه امام به جوان چوپانی افتاد که تعدادی بز را می‌چرانید. فرمود: ای سدیر به خدا قسم اگر تعداد شیعیانم (که اهل مجاهده و پایمردی باشند) به عدد این بزها بود نشستن و سکوت در برابر طاغوت زمان برایم شایسته نبود. پیاده شدیم و نماز گزاردیم بعد از نماز متوجه شمارش بزها شدم و دیدم که فقط ۱۷ رأس بودند. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۲۴۳-۲۴۲)

در روایتی دیگر، می‌خوانیم:

مأمون رقی می‌گوید: نزد سرورم امام صادق علیه السلام بودم. در آن وقت سهل بن حسن خراسانی وارد شود و سلام کرد سپس نشست. به امام عرض کرد: «یا ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ لَكُمْ الرِّأْفَةُ وَالرَّحْمَةُ وَأَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتِ الْإِمَامَةِ مَا الَّذِي يَمْنَعُكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ حَقٌّ تَفْعُدُ عَنْهُ وَأَنْتَ تَجِدُ مِنْ شَيْعَتِكَ مِائَةَ أَلْفٍ يَضْرِبُونَ بَيْنَ يَدَيْكَ بِالسَّيْفِ فَقَالَ لَهُ علیه السلام اجْلِسْ يَا خُرَّاسَانِي رَعَى اللَّهُ حَقَّكَ ثُمَّ قَالَ يَا حَتَفِيهِ اسْجُرِي التَّنُورَ فَسَجَرْتُهُ حَتَّى صَارَ كَالْجَمْرَةِ وَابْيَضَ غُلُوهُ ثُمَّ قَالَ يَا خُرَّاسَانِي فَمِمَّا اجْلَسَ فِي التَّنُورِ فَقَالَ الْخُرَّاسَانِي يَا سَيِّدِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَا تُعَذِّبْنِي بِالنَّارِ أَقْلِي أَقَالَكَ اللَّهُ قَالَ قَدْ أَقْلَيْتُكَ فَبَيْنَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَ هَارُونَ الْمَكِّي وَ

نَعْلُهُ فِي سَبَائِيهِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْقِ النَّعْلَ مِنْ يَدِكَ وَاجْلِسْ فِي التَّنُورِ قَالَ فَالْقَى النَّعْلَ مِنْ سَبَائِيهِ ثُمَّ جَلَسَ فِي التَّنُورِ وَأَقْبَلَ الْإِمَامَ بِحَدِيثِ الْخُرَّاسَانِيِّ حَدِيثِ خُرَّاسَانَ حَتَّى كَانَتْهُ شَاهِدًا لَهَا ثُمَّ قَالَ قُمْ يَا خُرَّاسَانِي» در داستان اعتراض سهل بن حسن خراسانی به امام صادق علیه السلام نیز محوریت بصیرت در پیروی از امام نمود دارد. آن‌گاه که امام به هارون مکی به دستور امام وارد تنور داغ و پراز آتش شد و سالم از آن برون آمد، حضرت به سهل بن حسن فرمود: «كَمْ تَجِدُ بِخُرَّاسَانَ مِثْلَ هَذَا؟» سهل عرض کرد: «وَاللَّهِ وَلَا وَاحِدًا». امام فرمودند: «لَا وَاللَّهِ وَلَا وَاحِدًا أَمَا إِنَّا لَا نَخْرُجُ فِي زَمَانٍ لَا تَجِدُ فِيهِ حَمْسَةَ مُعَاظِدِينَ لَنَا نَحْنُ أَعْلَمُ بِالْوَقْتِ». (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۴، ۲۳۷؛ جزائری، ۱۴۲۷: ج ۲، ۱۷۵؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ج ۶، ۱۱۵)

چه شد که هارون مکی بدون چون و چرا وارد تنور پراز آتش شد، اما سهل بن حسن خراسانی از امام زمان علیه السلام خویش اطاعت نکرد؟! آیا سهل بن حسن به امامت امام صادق علیه السلام شک داشت؟ آیا به ایشان اعتقاد نداشت؟ پاسخ این سؤال‌ها منفی است. زیرا از ابتدای روایت کاملاً مشهود است که او به امامت امام صادق علیه السلام اذعان دارد. امام صادق علیه السلام می‌خواهد به او بفهماند بدون وجود یاوران بصیر نمی‌توان قیام نمود.

در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام سهل بن حسن خراسانی‌ها بیشتر می‌توانند میدان‌داری کنند اما در بزنگاه کار در اثر بی‌بصیرتی از پیروی امام خویش شانه خالی می‌کنند.

## ۵. حفظ وحدت و انسجام جامعه

یکی از آرمان‌های رهبری سیاسی حفظ انسجام و وحدت جامعه اسلامی است. خدای سبحان به مؤمنان دستور می‌دهد:

﴿وَاغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾؛

و همگی به ریسمان خدای - توحید، دین و کتاب خدا - چنگ زنید و پراکنده مشوید، و نعمت خدای را بر خود یاد کنید آن‌گاه که با یکدیگر دشمن بودید پس میان دل‌های شما همدمی و پیوند داد تا به نعمت وی - اسلام و الفت - با هم برادر گشتید.

۴۵

اعتقاد به ولایت الله و پیروی از رهبری الهی نقشی وحدت‌آفرین دارد و بصیرت پیروان، نقش مهمی در این مقوله دارد. امیرمؤمنان علیه السلام در پاسخ به ابوموسی اشعری شدت اهتمام خود را نسبت به حفظ وحدت و انسجام جامعه این‌گونه بیان فرمودند:

وَلَيْسَ رَجُلٌ فَاعْلَمَ أُخْرَصَ [النَّاسِ] عَلَى جَمَاعَةٍ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ أَلْفَتْهَا مِنِّي أُنْتَبِغِي بِدَلِيكَ  
حُسْنِ الثَّوَابِ وَ كَرَمِ الْمَتَابِ. (نهج البلاغه، نامه ۷۸)

حضرت در بیانی دیگر درباره اهمیت وحدت و انسجام به نقش بصیرت در ایجاد وحدت اشاره نموده و می‌فرماید:

پس اندیشه کنید که چگونه بودند امت‌هایی که وحدت داشتند، خواسته‌های آنان یکی، قلب‌های آنان یکسان و دست‌های آنان مددکار یکدیگر، شمشیرها یاری‌کننده هم، نگاه‌ها به یک سو دوخته، و اراده‌ها واحد و همسو بود. آیا آنها (با این وحدت) مالک سراسر زمین نبودند و رهبر و پیشوای همه دنیا نشدند. پس به پایان کار آنها نیز بنگرید در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی روی آوردند، و مهربانی و دوستی آنان از بین رفت، و سخن‌ها و دل‌های شان گوناگون شد، از هم جدا شدند، به حزب‌ها و گروه‌ها پیوستند، خداوند لباس کرامت خود را از تن‌شان بیرون آورد، و نعمت‌های فراوان شیرین را از آنها گرفت، و داستان آنها در میان شما عبرت‌انگیز باقی ماند. (نهج البلاغه، خ ۱۹۲)

از آیات قرآن و روایات دانسته می‌شود میان بصیرت و پیروی از رهبر در عرصه سیاسی ارتباط وثیقی وجود دارد. در واقع وجود و رشد بصیرت پیروان در عرصه سیاسی است که به عدالت‌گستری منجر می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ﴾ (حدید: ۲۵).

این آیه بیانگر آن است که رهبران الهی آمده‌اند تا زمینه‌ساز گسترش عدل و قسط باشند. ضمانت اجرایی چنین هدفی با ﴿أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ﴾ بیان گردیده است. بنابراین قیام به قسط در سایه دین‌داری و به خدمت‌گیری قدرت در تعالی شریعت امکان‌پذیر است. نکته قابل دقتی که در این جا وجود دارد ﴿لِيَقُومَ النَّاسُ﴾ است. فاعل قیام به قسط، انبیاء نیستند. بلکه فاعل قیام به قسط مردم هستند. پس انبیاء و فرستادگان آسمانی می‌آیند تا مردم برای عدالت به پا خیزند. این جاست که نقش بصیرت در پیروی از رهبر الهی نمایان می‌شود. خدای متعال قیام به قسط را در این آیه شریفه به مردم نسبت داده است. رهبران الهی زمینه‌ساز گسترش عدالت‌اند و نقش نهایی را مردم ایفا می‌کنند. صاحب تفسیر من هدی القرآن در این باره می‌نویسد:



والآية تصرح بأن إقامة القسط تكون بيد الناس أنفسهم، فلم تقل: ليقوم الرسل بالقسط بين الناس، بل قالت: «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»، ولوان الناس تخلوا عن مسئوليتهم تجاه العدالة فان القسط لا يقوم، لان رسالات الله توفر للناس فرصة اقامة القسط، ولم يبعث الأنبياء لفرض العدالة بالإكراه على الناس. (مدرسی، ۱۴۱۹: ج ۱۵، ۱۰۳)

به عبارت دیگر در صورت همکاری نکردن مردم و نبود معرفت و حضور سیاسی بایسته و شایسته، دیانت و عدالت در جامعه محقق نخواهد شد. مردم با بصیرت و حضور خود، پیشوایان راستین را حمایت می نمایند و پایه های حکومت شان را مستحکم می سازند تا دستورات و برنامه های آسمانی در جامعه اجرایی شود و مردم طعم خوش زندگی را بچشند. فقدان بصیرت و عدم حضور سیاسی مردم نیز می تواند سرولی خدا را در کر بلا بالای نی برد.

#### ۶. آمادگی برای آزمون ها

سنت الاهی بر آزمایش است و هیچ امتی بدون آزمایش و تحمل مشکلات به سرفرازی نمی رسد. قرآن کریم می فرماید:

﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَتَّكِبُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ\* وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾ (عنکبوت: ۲-۳).

در آیه ای دیگر می فرماید:

﴿أَوْ لَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾ (توبه: ۱۲۶).

براساس آیه شریفه متنبه نشدن از آزمایشات الاهی، نشانه نفاق و بیماری قلبی و کور باطنی است و مورد سرزنش و توبیخ است. (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۵، ۱۷۰)

از مهم ترین آزمایش های الاهی آزمون پیروی از ولی خداست. براساس تفسیر مفسران بارزترین آزمایشی که در این آیه شریفه مراد است، آزمون در عرصه سیاسی است. از این رو می خوانیم:

و فی الآیة تقریح للمنافقین عن الاعتبار والنظر كأن المعنی أنهم لا يشعرون أن فی کل سنة مرّة أو مرّتين یرون أمورا یتتعی أن یعتبرون بها یمتنحون بالجهاد مع رسول الله و یرون من نصره الله و ما ینال أعداء الله من القتل والسبی. (حائری، ۱۳۳۸: ج ۵، ۲۰۴)

در سوره مائده خدای سبحان پس از آن که از میثاق بنی اسرائیل و ارسال رسل و کوردلی شان در برخورد با رهبران الهی صحبت می فرماید، از پندار ایشان پرده برداشته می فرماید:

﴿وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِئْتَنَةً فَعَمْوُوا وَصَمُّوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُّوا كَثِيرًا مِّنْهُمْ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾ (مائده: ۷۱).

ایشان به دلیل پندار نادرست خویش، خود را از آزمون الهی مبرا می دانستند و این باعث شد چشم شان کور شود و میان خیر و شر تمییز ندهند و گوش آنها از شنیدن پند و موعظه ناشنوا شد.

البته ناگفته پیداست این آیه شریفه به دلیل ساری و جاری بودن قرآن در همه دوران ها، به قوم بنی اسرائیل ختم نمی شود و در هر برهه ای از زمان سریان دارد. از این روست که تأویل آن قابل دقت و تأمل است. از امام صادق علیه السلام در تأویل این آیه روایت است:

فَعَمْوُوا وَصَمُّوا حَيْثُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُّوا حِينَ قَبَضَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ حِينَ أَقَامَ عَلِيًّا عليه السلام فَعَمْوُوا وَصَمُّوا حَتَّى السَّاعَةِ. (حسینی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۱۷۶)

یعنی کوری و کری ایشان درباره پیروی از رهبر الهی و امام خویش است. از روایات نیز دانسته می شود که سنت الهی بر آزمایش جوامع بشری است. حضرت در بیانی دیگر می فرماید:

لَمْ يَجْبُرْ عَظَمَ أَحَدٍ مِنَ الْأُمَمِ إِلَّا بَعْدَ أَزْلِ وَبَلَاءٍ وَفِي دُونِ مَا اسْتَقْبَلْتُمْ مِنْ عَثَبٍ وَمَا اسْتَدْبَرْتُمْ مِنْ حَظَبٍ مُّعْتَبَرٍ (نهج البلاغه، خ ۸۸)؛

هرگز استخوان شکسته زندگی ملتی را ترمیم نکرده مگر پس از آزمایش و تحمل مشکلات فراوان، و در سختی هایی که شما با آنها مواجه شدید و مشکلاتی که پشت سر گذاردید، درس های عبرت فراوانی وجود داشت.

و از طریق این آزمایش هاست که مرد از نامرد تشخیص داده می شود. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید:

فِي تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عِلْمٌ جَوَاهِرِ الرِّجَالِ؛

در دگرگونی احوال، پی بردن به جوهر مردان است. (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۷)

درباره آخرالزمان نیز روایات متعددی وجود دارد که از آزمون‌های جداسازی یاران حقیقی از مدعیان یاوری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر می‌دهد. در *الکافی* بابی با عنوان باب التمحصیص و الامتحان وجود دارد که به برخی از این روایات پرداخته است. در روایتی از این باب می‌خوانیم:

عَنْ مَنْصُورٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عجل الله تعالی فرجه الشریف يَا مَنْصُورُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ وَ لَا وَاللَّهِ حَتَّى تُمَيِّزُوا وَلَا وَاللَّهِ حَتَّى تُمَخَّصُوا وَلَا وَاللَّهِ حَتَّى يَشَقَّ مَنْ يَشَقُّ وَيَسْعَدَ مَنْ يَسْعَدُ. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۷۰)

از برخی روایات دانسته می‌شود رمز نجات از آزمون‌های آخرالزمان، بصیرت نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خویش است که با وجود آن، اگر چنین کسی زمان ظهور حضرت را هم درک نکند، جزء یاران ایشان محسوب می‌شود. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۷۱)

#### ۷. پرهیز از دوستی با دشمنان

قرآن مجید یکی از ویژگی‌های مؤمنان راستین را «عدم طرح دوستی با دشمنان» برشمرده و می‌فرماید:

﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (مجادله: ۲۲).

بی‌شک یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از کسانی هستند که «کتب فی قلوبهم الایمان و ایدهم بروج منه». از این رو در روایات از صلابت ایمان ایشان این‌گونه سخن رفته است:

رَجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ؛ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ. (نیلی نجفی، ۱۴۲۶: ۹۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۰۷)

با درکنار هم گذاشتن آیه و روایت پیش گفته پر واضح است که یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با کسانی که با خدا و فرستاده‌اش به شدت مخالفت ورزند، دوستی نمی‌کنند.

در واقع یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیروان حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستند که آیه «عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف: ۱۰۸) شامل ایشان نیز می‌شود. بر اساس همین بصیرت است که پیروان

حضرت مهدی علیه السلام ﴿أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ (فتح: ۲۹) هستند.

### ۸. پذیرش سیستم نیابت امام در تعیین نواب خاص و عام

یکی از نقش‌های بصیرت در پیروی از امام در راهبری‌های سیاسی، اعتماد به نقش تصمیم‌گیرانه امام در تعیین امام و حاکم بعدی است. همان‌طور که بیان شد آموزه‌های دین مبین اسلام ضرورت وجود امام را تبیین نموده و تنها راه نجات بشریت در پرتو وجود امامان نور ترسیم شده است. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۷۵-۱۶۸) اگر بصیرت لازم به امام وجود داشته باشد، تمام تصمیمات امام پذیرفته می‌شود. یکی از تصمیمات امام، تعیین جانشین است که شامل جانشین موقت و جانشین پس از خود می‌شود. از مطالعه قرآن و تاریخ انبیاء گذشته دانسته می‌شود، بصیرت یاوران در پیروی از فرماندهان و جانشینان ایشان نقش به‌سزایی داشته است. آیاتی از قرآن که درباره طالوت و پیروان پیامبر آن زمان سخن رانده است، گویای نقش‌آفرینی بصیرت در پیروی در مقام نظر و عمل است. آنان که بصیرت لازم را داشتند، سر تعظیم فرود آوردند و آنان که بی‌بصیرت بودند حکم پیامبرشان مبنی بر فرماندهی طالوت را نپذیرفتند و ایراداتی وارد نمودند! پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان امام جامعه اسلامی، امام بعد از خود را به مردم معرفی نمود. بر این اساس می‌توان جامعه پس از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را با شاخص بصیرت محک زد. پیروانی که بصیرت لازم را داشتند به همان دلیلی که وجود پیامبر را به عنوان امام جامعه اسلامی ضروری می‌دانستند، وجود علی علیه السلام را به عنوان قیم دین و مبین قرآن، بایسته دانستند و به فرمان او سر تسلیم فرود آوردند. اما کسانی که بصیرت لازم را در چرایی وجود پیامبر صلی الله علیه و آله نداشتند، گرفتار دسیسه‌های کسانی شدند که به جانشینی حضرت طمع ورزیده بودند و نتوانستند راه حق را تشخیص دهند.

جانشینی نایب خاص ممکن است در فرماندهی جنگ، در امور فرهنگی، استانداری و... باشد. به عنوان مثال هارون علیه السلام نایب خاص موسی علیه السلام بود و یا امیرمؤمنان علی علیه السلام در جنگ تبوک نایب خاص پیامبر صلی الله علیه و آله در اداره امور مدینه و... بود.

در عصر غیبت امام زمان علیه السلام، با کاربست سیستم نیابت خاص و نیابت عام، آزمون دیگری در پیروی از امام زمان علیه السلام رقم خورد. دستورالعمل امام زمان علیه السلام در عصر غیبت کبری این چنین روایت شده است:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ. (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۸۴)

همان طوری که بصیرت در پیروی از امام نقش آفرین است، در پیروی از نائب امام، نقشی دوچندان دارد. اهمیت این پیروی تا جایی است که در ادعیه از خدا ثبات قدم در پیروی از ولی امر غایب را خواسته شده است. (همان: ۵۱۲)

بصیرت پیروان در این جا نقش خویش را ایفا می نماید که اگر آن شخصی را که امام به عنوان نائب معرفی فرموده اند، به هر دلیلی مورد پسند برخی از پیروان امام قرار نگرفت، این دسته از پیروان به دلیل بینشی که به امام دارند، انتخاب حضرت را بی چون و چرا بپذیرند و از نائب امام به دلیل تأیید امام، پیروی نمایند. یعنی ممکن است برخی پیروان با امام درباره اشخاص انتخاب شده، اختلاف سلیقه داشته باشند؛ اما پیرو بصیر، پیروی از نائب امام را هم در دو عرصه نظر و عمل بر خود واجب می داند و دیدگاه های شخصی شان، در کیفیت پیروی شان از نائب امام، تأثیر منفی نمی گذارد.

این مهم در همه عرصه ها و زمان ها جاری است. به عنوان مثال در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، که رهبری اش مصداق بارز نائب عام امام است، اگر برخی از صاحب نظران و یا عده ای از مردم، رأیی مخالف رأی اکثر مردم، در صندوق های رأی بیندازند و رئیس جمهوری بر سر کار آید که با سلیقه آنها سازگار نبوده باشد، همین که رهبر جمهوری اسلامی حکم ریاست جمهوری اش را تنفیذ نمود، بصیرت نقش آفرینی کرده و حکم می کند که اختلاف سلیقه ها را کنار گذارند و به حکم رهبری انقیاد نمایند و تمام تلاش شان را در حمایت از رئیس جمهور منتخب و پیشرفت جامعه اسلامی به اجرا درآورند. این همان کارآمدی بصیرت در پیروی از نائب عام امام است که متأسفانه در فتنه سال ۱۳۸۸ برخی از خواص کشور آن را نداشتند و لطمه سنگینی بر کشور زدند و هزینه سنگینی را بر نظام اسلامی ایران متحمل ساختند. این داستان بی بصیرتی برخی خواص هم چنان ادامه دارد.

### آسیب های بی بصیرتی در مواجهه با چالش سیاسی - اجتماعی

از آموزه های قرآنی و روایی می توان به آسیب های متعددی درباره بی بصیرتی در مواجهه با چالش سیاسی - اجتماعی دست یافت، اما در این جا به اختصار به اهم آنها اشاره می شود:

## ۱. تهی گشتن از هویت اسلامی

یکی از آسیب‌های بی بصیرتی در عرصه سیاسی - اجتماعی، خروج از اطاعت خدا و بازگشت به جاهلیت حاکم بر جوامع گذشته است. حضرت علی علیه السلام دست برداشتن مردم از پیروی از دین الاهی (که لازمه آن دست برداشتن از پیروی رهبران الاهی است) را در بازگشت ایشان به سنن جاهلی می‌داند که ریشه چنین حرکت قهقرایی بی بصیرتی و ندیدن حقایق اسلام و نشناختن امام زمان خویش است.

نمونه‌هایی از بی بصیرتی ایشان که حضرت به آن اشاره فرموده‌اند (نهج البلاغه، خ ۱۹۲) عبارت است از:

۱. تظاهر به اسلام؛

۲. تمسک به شعارها و سنن جاهلیت؛

۳. جهالت نسبت به وعده و وعیدهای الاهی؛

۴. ترک امر به معروف و نهی از منکر؛

۵. قطع کردن قیود اسلام؛

۶. تعطیل کردن احکام الاهی.

از این روست که حضرت علی علیه السلام پیوسته مردم را این‌گونه هشدار می‌دادند:

فَاللَّهِ اللَّهُ فِي كِبْرِ الْحَمِيَةِ وَفَخْرِ الْجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّهُ مَلَأَ قُحُ الشَّنَائِنِ وَمَنَافِعُ الشَّيْطَانِ الَّتِي خَدَعَ بِهَا الْأُمَّمَ الْمَاضِيَةَ وَالْقُرُونَ الْحَالِيَةَ حَتَّى أَعْتَقُوا فِي حَنَادِسِ جَهَالَتِهِ وَمَهَاوِي ضَلَالَتِهِ؛  
(نهج البلاغه، خ ۱۹۲)

زنهار زنهار شما را به خدا سوگند از کبر و نخوت تعصب‌آمیز، و تفاخر جاهلی بر حذر باشید که آن مرکز پرورش کینه و بغض و جایگاه وسوسه‌های شیطان است که ملت‌های پیشین و امت‌های قرون گذشته را فریفته است تا آن‌جا که آنها در تاریکی‌های جهالت فرو رفتند و در گودال‌های هلاکت سقوط کردند.

در خطبه‌ای دیگر حضرت ضمن تبیین فتنه سیاسی که پس از رحلت رسول صلی الله علیه و آله به وقوع پیوست، فقدان بصیرت فتنه‌گران و پیروان ایشان را این‌گونه تبیین می‌فرماید:

گروهی به قهقرا برگشتند و اختلاف و پراکندگی آنها را هلاک ساخت و تکیه بر غیر خدا کردند و با غیر خویشاوندان (اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله) پیوند برقرار نمودند، و از وسیله‌ای که فرمان داشتند به آن مودت ورزند کناره گرفتند، و بناء و اساس (ولایت) و رهبری جامعه اسلامی را

از محل خویش برداشته در غیر آن نصب کردند. (اینان) معادن تمام خطاهایند و درهای همه گمراهان و عقیده‌مندان باطلند، آن‌ها در حیرت و سرگردانی غوطه‌ور شدند و در مستی و نادانی، دیوانه‌وار بر روش «آل فرعون» فرو رفتند: گروهی تنها به دنیا پرداختند و به آن تکیه کردند و یا آشکارا از دین جدا گشتند. (نهج البلاغه، خ ۱۵۰)

امیرمؤمنان علی علیه السلام در تبیین چرایی کوری سیاسی سیاست‌بازان عصر خویش می‌فرماید:

نه هر کس مغز دارد اندیشمند است، و نه هر صاحب گوشی شنواست، و نه هر چشم‌داری، بینا. شگفتا چرا تعجب نکنم از خطا و اشتباه این گروه‌های پراکنده با این دلائل مختلفی که بر مذهب خود دارند، نه گام به جای گام پیغمبری می‌نهند، و نه از عمل وصی پیغمبری پیروی می‌کنند. نه به غیب ایمان می‌آورند، و نه خود را از عیب برکنار می‌دارند. به شبهات عمل می‌کنند، و در گرداب شهوات غوطه‌ورند، نیکی در نظرشان همان است که خود نیک می‌شمارند، و منکر و زشتی آن است که خود منکر بشمارند. در حل مشکلات به خود پناه می‌برند، و در مبهمات تنها به رأی خویش تکیه می‌نمایند. گویا هر کدام امام خویش‌اند، که به دستگیره‌های مطمئن و اسباب محکمی که خود می‌اندیشند و خود ساخته‌اند جنگ زده‌اند. (نهج البلاغه، خ ۸۸)

از مصادیق تهی گشتن از هویت اسلامی، ترویج تفکر خلافت به جای امامت الهی است. امیرمؤمنان علی علیه السلام از بی‌بصیرتی مردمان در پذیرش چنین تفکری انتقاد می‌فرماید و ایشان را دچار انحراف از مسیر حق و رنگ عوض کردن و دوری از حق می‌داند. (نهج البلاغه، خ ۳)

از این رو امام صادق علیه السلام در ترسیم سختی مواجهه با بی‌بصیرت‌ان در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید:

آزاری که قائم ما هنگام رستاخیز خویش از جاهلان آخرالزمان می‌بیند، بسی سخت‌تر است از آن همه آزار که رسول خدا صلی الله علیه و آله از مردم جاهلیت دید. راوی می‌گوید: چگونه چنین چیزی شدنی است؟ امام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله میان مردم آمد، در حالی که ایشان سنگ و صخره و چوب و تخته‌های تراشیده را می‌پرستیدند و هنگام قیام قائم ما، مردم از کتاب خدا علیه وی دلیل می‌آورند و قرآن را تأویل می‌کنند. (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۲۹۶)

## ۲. نشناختن طراحان و کارگزاران فتنه

نبود شناخت درست نسبت به طراحان و کارگزاران جنگ نرم در عرصه سیاسی باعث می‌شود، نخبگان و خواص دچار سردرگمی شوند و یا از صحنه سیاست کنار روند و یا آب در جوی دشمن بریزند. مردم عادی هم در پیروی از خواص و نخبگان‌شان مبتلا به آفات

بی‌بصیرتی هستند.

نمونه‌ای از این آسیب را می‌توان در فتنه سیاسی جمل که منجر به جنگ جمل شد و یا در فتنه سیاسی حکمیت صفین و... جست‌وجو کرد.

در دوران معاصر بی‌بصیرتی در نشناختن طراحان فتنه سیاسی سال ۱۳۸۸ آسیب فراوانی به همراه داشت. مقام معظم رهبری در بیانات متعددی به آسیب‌های نبود بصیرت در فتنه مذکور اشاره داشته‌اند.<sup>۱</sup>

انحراف بخشی به دکتربین مهدویت که از سوی دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام انجام می‌شود، خود چالش بزرگی است که در جای خود باید بدان پرداخت اما نشناختن اهداف طراحان پروژه مهدویت‌زدایی در قالب آرماگدون، تولید فرقه‌های شبه مذهبی و... (ر.ک: بالادستیان، ۱۳۹۲) ریشه در بی‌بصیرتی در ابعاد بینشی، گرایشی و کنشی دارد. این که عده‌ای به دلیل شتاب‌زدگی و... به مدعیان دروغین مهدویت مانند احمد الکاتب و... می‌پیوندند و متأسفانه در جمع آنها گاهی افراد تحصیل کرده نیز وجود دارد، پرده از بی‌بصیرتی آنها برمی‌دارد و ضرورت بصیرت‌زایی و بصیرت‌افزایی در عرصه مهدویت را در جامعه منتظر دو چندان می‌سازد. گرچه برخی معتقدند:

علت اصلی تأثیرگذاری و رشد مدعیان دروغین مهدویت، جهل مردم است. بدون تردید، می‌توان نادانی را عامل اصلی همه انحرافات در تاریخ اسلام دانست. بسیاری از افرادی که در دام چنین مدعیانی گرفتار می‌شوند، در حقیقت جویندگان آب هستند؛ اما چون آب واقعی را ندیده و نشناخته‌اند، به دنبال سراب راه افتاده‌اند. (ر.ک: عرفان، ۱۳۸۸)

اما دقیق‌تر آن است که ریشه اصلی تأثیرپذیری مردم، نداشتن روشن‌بینی نسبت به آبشخور چنین پدیده‌هایی در عصر غیبت است و چنان‌که در پیش از این گفته، بصیرت با مشاهده درست رخدادها و اندیشیدن و سنجش و عبرت‌گرفتن و تیزهوشی و دوراندیشی حاصل می‌گردد.

### ۳. حضور در جبهه باطل

از آیات قرآن می‌توان دانست یکی از آسیب‌های بی‌بصیرتی اعراض از دعوت خدا و رسول و

۱. سایت دفتر مقام معظم رهبری، سخنرانی‌ها از سال ۱۳۸۸ تاکنون.



حضور در جبهه باطل است:

﴿وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ، وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ﴾ (نور: ۴۸-۴۷)؛

آنها می‌گویند: به خدا و پیامبر ایمان داریم و اطاعت می‌کنیم! ولی بعد از این ادعا، گروهی از آنان روی‌گردان می‌شوند آنها (در حقیقت) مؤمن نیستند!، و هنگامی که از آنان دعوت شود که به سوی خدا و پیامبرش بیایند تا در میان‌شان داوری کند، ناگهان گروهی از آنان روی‌گردان می‌شوند!

خدای سبحان در ادامه می‌فرماید:

﴿أَفِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ أَمْ اِزْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحْيِفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (نور: ۵۰).

در این آیه علت رفتار فوق را تبیین فرمود که این از ضعف ایمان است؛ نه این‌که به داوری خدا و رسولش شک دارند بلکه از بیخ و بن ظالمند.

بی‌بصیرتی پیروان موجب می‌شود در فتنه‌های سیاسی، حق را از باطل تشخیص ندهند و با تبعیت از سران فتنه گرفتار «اعراض از ولی خدا» گردند. چنان‌که بسیاری از یاران علی علیه السلام به دلیل عدم تشخیص درست از فضای سیاسی جامعه اسلامی، به دام فتنه‌گران افتادند و ناگاه دیدند در مقابل علی بن ابی‌طالب علیه السلام صف‌آرایی نموده‌اند.

بنابراین از مهم‌ترین پیامدهای فقدان بصیرت، این است که انسان از حضور در جبهه حق محروم می‌شود و جزو یاران جبهه باطل قرار می‌گیرد. در این صورت آگاهانه یا ناآگاهانه به مقابله با حق می‌پردازد و چه بسا بی‌آن‌که بداند، ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکر جبهه حق وارد می‌کند. (مظفری، ۱۳۸۹: ۵۸)

#### ۴. قساوت قلب و مورد نفرین خدا و امام قرار گرفتن

خدای متعال پیروانی را که پیمان‌شان را با رهبر الهی می‌شکنند، مورد لعن خویش قرار می‌دهد و قلب‌های‌شان را سخت می‌گرداند. قرآن کریم درباره بیشتر پیروان موسی علیه السلام که نقض پیمان نمودند می‌فرماید:

﴿فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً﴾ (مائده: ۱۳)؛

پس به سبب شکستن پیمان‌شان آنان را لعنت کردیم و دل‌هاشان را سخت گردانیدیم.  
 امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز در موارد متعدد یاران بی‌بصیرت خویش را نفرین نموده‌اند.  
 (نهج البلاغه، خ ۲۷)

امام باقر علیه السلام نیز مخالفان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه را نفرین کرده و فرمودند:

وَالْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ خَالَفَهُ وَخَالَفَ أُمَّرُهُ. (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۲۳۵)

پیامد بی‌بصیرتی در مواجهه با چالش سیاسی-اجتماعی، هویت اجتماعی یافتن فتنه‌گران و ایجاد تشکیلات برای فتنه و برنامه‌ریزی منظم‌تر برای فتن آینده است که زمینه‌ساز حاکمیت طاغوت و اشرار به شمار می‌آید. چنان‌که دشمنان قسم خورده جمهوری اسلامی ایران بی‌صبرانه منتظر چنین رخدادی هستند و برای آن برنامه‌ریزی دارند و ثانیه‌شماری می‌کنند.

#### نتیجه‌گیری

مسئله انتظار و جامعه منتظر منحصر به دوران امام دوازدهم نیست؛ بلکه از تعلیمات پیامبر اسلام است و آموزه‌های دینی به اهتمام همه معصومان برآمده‌سازی و تربیت یاوران منتظر ظهور رهنمون است. از دیگر سو مهم‌ترین چالشی که اسلام ناب در عرصه سیاسی-اجتماعی با آن مواجه شد، مرتبط است با شیوه مواجهه مردم با جانشینی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله. مهم‌ترین مؤلفه‌ای که وجود یا فقدان آن در پیروی از رهبران الهی نقش کلیدی دارد، «بصیرت» است. یکی از عرصه‌هایی که وجود بصیرت کارآمدی‌های بسیاری در آن دارد، عرصه سیاسی-اجتماعی است. وجود بصیرت باورداشت حاکمیت الهی امام زمان علیه السلام را در پی دارد. با بصیرت است که می‌توان دشمن را شناخت و با او دوستی نکرد و جلوی پایمال شدن حق امام را گرفت. آمادگی برای آزمون‌های آخرالزمان نیازمند بصیرت است. اگر جامعه منتظر بصیرت‌مدار باشد، در برابر راه کارهای امام در کنترل جامعه نظیر سیستم نیابت سر تعظیم فرود می‌آورد. مهم‌ترین آسیب فقدان بصیرت برای جامعه اسلامی، تهی‌گشتن از هویت اسلامی است. با بی‌بصیرتی طراحان فتنه‌های سیاسی شناخته نمی‌شوند و سرمایه‌های جامعه در خدمت جبهه باطل قرار می‌گیرد. در اثر نبود بصیرت انسان دچار قساوت قلب می‌گردد و نفرین امام شاملش می‌شود که خسروانی جبران‌ناپذیر است.

## منابع

قرآن مجید

نهج البلاغه

- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
- ابن بابویه، علی بن حسین، الإمامة والتبصرة من الحيرة، قم، مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۴ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین وتمام النعمة، تهران، اسلامیه، دوم، ۱۳۹۵ق.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم والمحیط الأعظم، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، قم، جامعہ مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، متشابه القرآن ومختلفه (لابن شهر آشوب)، قم، ۱۳۶۹ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، طرف من الأنباء والمناقب، مشهد، تاسوعا، ۱۴۲۰ق.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير والتنوير، بی جا، بی تا.
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، مكتبة الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الكبير (لابن المشهدی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ق.
- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، ۱۴۲۱ق.
- بالادستیان، محمد امین؛ حائری پور، محمد مهدی؛ یوسفیان، مهدی، نگین آفرینش، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، مرکز تخصصی امامت و مهدویت، ۱۳۸۷ش.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر ودلائل الحجج علی البشر، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
- برهان، مهدی، «شاخص ها و مؤلفه های بصیرت سیاسی»، معرفت سیاسی، سال سوم، شماره اول، ۱۳۹۰.
- جزائری، نعمت الله بن عبدالله، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، بیروت، مؤسسة التاريخ

- العربی، اول، ۱۴۲۷ق.
- جمعی از نویسندگان، *جنگ نرم در قرآن و سنت*، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۲.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
- حائری تهرانی، علی *مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۳۸ش.
- حسینی استرآبادی، سیدشرف‌الدین علی، *تأویل الآیات الظاهرة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ق.
- خدادادی، محمد اسماعیل، «پیامدهای ضعف بصیرت سیاسی»، *حصون*، شماره ۱۷، پائیز ۱۳۸۷.
- دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- دینوری، ابن قتیبہ، *امامت و سیاست*، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
- سایت دفتر مقام معظم رهبری، سخنرانی‌ها از سال ۱۳۸۸ تاکنون.
- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران، اسلامیه، سوم، ۱۳۹۰ق.
- عرفان، امیرمحسن، «بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان»، *انتظار موعود*، پائیز ۱۳۸۸.
- علم‌الهدی، محمدباقر و دیگران، *البصیرة و العمی فی کلام الباری و اولى النهی*، تهران، میقات، ۱۳۷۹.
- فضل‌الله، سیدمحمدحسین، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک للطباعة و النشر، دوم، ۱۴۱۹ق.
- فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم، مؤسسه دارالهجرة، دوم، ۱۴۱۴ق.
- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، یازدهم، ۱۳۸۳ش.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، قم، دارالکتاب، چهارم، ۱۳۶۷.

- کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتاب فروشی محمدحسن علمی، ۱۳۳۶ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الفروع، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- گروهی از نویسندگان، مجموعه مقالات بیست و هفتمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم، تهران، اسوه، ۱۳۹۰.
- مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، تهران، دارمحبی الحسین، ۱۴۱۹ق.
- مظفری، آیت، راهبردهای بصیرت، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۹.
- \_\_\_\_\_، روش شناسی و آموزش تحلیل سیاسی، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۶.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
- منصوری، محمد هادی، «تحلیلی درباره بصیرت یاوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و فرایند دست یابی به آن در آینه قرآن و کلام علوی علیه السلام»، فصل نامه انتظار موعود، شماره ۵۵، زمستان ۱۳۹۵.
- هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، قم، الهادی، ۱۴۰۵ق.

